

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۴ ه.ق - حرکت به سوی نور)

۰۹ مرداد ۱۴۰۱

خطبه‌ی شب دوم

سلام بر خاتم رسولان که زمان را در رسالت خویش جاودانه فرمود. در سیاهی و تباهی جهل، نوری تابنده بود که با دمیدن خورشید به میان مردمی می‌رفت که از آیین بندگی اسارت را برگزیده بودند. جانشان در فرمان مغز کودکانه‌شان به انتها می‌رسید. در همان خانه‌ای که به دنیا می‌آمدند می‌مانند و در همان افکار علایق از دنیا می‌رفتند. تمام عمرشان معطوف بود به رسم و آداب پدرانشان. گوش‌هایشان در همان محور می‌شنید و خوب و بد در نظرشان همان بود که به میراث برده بودند. در چنین عصری عقل کل به دنیا آمد تا هدایت این قوم را به عهده گیرد. در میانشان رشد کرد، به کسب‌وکار پرداخت و هر روز بیشتر شاهد تباهی و جهالتشان شد. غمی که هرگز در هیچ یک از زمان‌ها درمان نشد.

عصر صنعت آمد. زندگی مردمان با رشد فکر و اندیشه به جلو رفت. ظاهر زندگی روزمره به بهترین وسایل راحتی زینت داده شد. نیازها به سرعت به طرف تکامل پیش رفت. در همان سرزمین که نشانی از علم و صنعت نبود به بهترین وسایل آراسته شد و باز همان جهل خانمان‌سوز به کنار کعبه آمد. او همان جاهلی است که از عمر پدرانش سال‌ها گذشته است پس زمان همان سیر را دارد. جهلی که درمان نشد و امشب دوم محرم است. تکرار حوادثی که اندیشه‌ی دیروز و امروز را به خود اختصاص می‌دهد. مجالس برپا شده، قلب‌ها از عشق شهیدان در فوران است. آنان با حق ماندند ولی چگونه؟ من که در این مجلس نشست‌ام کی هستم؟ چرا در سینه‌ام حرارتی را احساس می‌کنم که نمی‌دانم سرچشمه‌اش چیست؟ آیا جهل درونی‌ام توان درک این احساس را دارد. من سال‌هاست که در هدایت اباعبدالله (ع) به طرف حق به حرکت درآمده‌ام ولی به مقصد نمی‌رسم. من به صحرای حق می‌روم. در آن می‌نشینم. عبادت می‌کنم. کنار شهیدان به عزاداری می‌پردازم ولی هیچ کدام را نمی‌شناسم زیرا مقصد خویش را

از پیمودن راه حق نمی‌دانم و باز شب‌هایی آمده که هزاران معمای عشق را در خود به یادگار دارد. من با کدام یک از حق‌مداران طی طریق کرده‌ام؟ با هیچ‌کدام؛ زیرا در پیچیدگی عمری اسیرم که درونی خالی از سفره‌ی حق دارد. پس دست تمنا به‌سوی صاحب عصرم می‌گشایم:

ای وارث پیامبرم مرا در بازی کودکانه‌ام که هر سال با آمدن محرم به آن می‌پردازم و معنی و مفهوم آن را درک نمی‌کنم یاری فرما. سینه‌ام در حرارت عشقشان شعله‌ور است، مرا با حقیقت راهشان مدد فرما تا توان عقلم قادر به درک این سفره‌ی عظیم شود و افسوسش عمرم را در وادی نابودی قرار ندهد. یاری فرما تا حق را طلب کنم به ندای:

اللهم عجل لولیک الفرج